**باسمه تعالی**

خارج اصول

۲۸/۱۱/۹۲ امارات معتبره - راه احراز صغرای ظهور - علامات حقیقت و مجاز

**حجیت ظواهر(معنای حقیقی و مجازی)**

ما می‌خواستیم نحوه شناخت معنای موضوع له را به دست بیاوریم خب یک روشی گاهی اوقات از قدیم مرسوم بوده در کتب فقهی و اصولی برای فهمیدن اینکه معنای کلمه چه شکلی است به استعمالات تمسک می‌شود به شواهدی می‌آوردند می‌گفتند معنای این واژه این هست به دلیل فلان متن تاریخی شعر جاهلی،‌شعر فلان شاعر و امثال اینها از قدیم این اشکال مطرح بوده استعمال اعم از حقیقت است ممکن است استعمال حقیقی باشد و ممکن است استعمال مجازی باشد بنابراین استعمال دالّ بر معنای حقیقی نیست. ولی آقایان در واقع به استعمال به نحو مطلق تمسک نمی‌کردند یک استعمال خاصی را دلیل بر حقیقت می‌گرفتند یعنی استعمال حقیقی با استعمال مجازی یک تفاوتهایی دارد آن تفاوتها را اگر ما در نظر بگیریم استعمال با آن ویژگی خاصی که جزء لوازم استعمال حقیقی هست آن استعمال می‌تواند معنای حقیقی را برای ما روشن کند ما حالا می‌خواهیم تفاوتهای استعمال حقیقی و استعمال مجازی را روشن کنیم که با توجه به این تفاوتها اگر بتوانیم در یک مورد روشن کنیم که این استعمال دارای آن خاصه استعمال حقیقی است حقیقت بودن استعمال را اثبات کنیم خب اولین نکته‌ای که به نظر می‌رسد که همه کتابها هست می‌گویند که استعمال حقیقی بدون قرینه است استعمال غیر حقیقی، استعمال مجازی با قرینه است این یک معنای است البته اینجا یک نکته‌ای وجود دارد آن این است که اینکه متکلّم استعمال مجازی را همیشه با قرینه استعمال مجازی به کار می‌‌برد معنایش این است که اگر با قرینه استعمال مجازی را به کار نبرد بر خلاف رسم متعارف عرف رفتار کرده یعنی رسم متکلّمین این هست که بدون قرینه معنای مجازی را اراده نکنند و از همین رسم عنوان غلط بودن استعمال مجازی بدون قرینه انتزاع شده والا این غلط و صحیح که اینجا ما می‌گوییم یک معنای ارزشی خاصی جز این ندارد بنابراین در

جایی که حتی قطع هم داشته باشیم که استعمال، استعمال بدون قرینه هست اینکه بگوییم این استعمال بدون قرینه حتماً شاهد بر این هست که استعمال حقیقی است این نمی‌تواند شاهد باشد چون ممکن است اولاً متکلّم غفلت کرده باشد از نصب قرینه این یک، نکته دوم اینکه ممکن است متکلّم تعمداً قرینه را ذکر نکرده باشد چون غرضش به اجمال تعلق گرفته باشد که در واقع این یک نوع خروج از رسم متعارف هست حالا خب احتمال دارد متکلّم از رسم متعارف خارج شده باشد و همین باعث می‌شود که استعمال دلیل قطعی،‌حتی استعمالی که قطع هم داریم که قرینه ندارد استعمالی که مقطوع هست که قرینه در آن نیست دلیل قطعی بر حقیقت بودن نباشد بله چون اصل عقلائی، یعنی اصل عقلائی هست که انسانها غفلت نکرده باشند و اصل عقلائی عرفیت متکلّم وجود دارد ممکن است شخصی با توجه به این اصول از استعمال حقیقت بودن را نتیجه بگیرد ولی خب این متوقف بر این هست که ما اصول لفظیه را برای کشف موضوع له هم کارساز بدانیم چون به هر حال ما با اصالة العدم الغفلة متکلّم و اصالة عرفیة متکلّم می‌خواهیم بگوییم که مستعمل فیه همان موضوع له هست. مستعمل فیه که مراد متکلّم هست را می‌دانیم می‌خواهیم موضوع له را و کیفیت اراده این معنای مستعمل فیه روشن کنیم این را آقایان می‌گویند اصول لفظیه در اینجا مجرایش نیست حالا چرا اینجا مجرایش نیست این بحثهای جدی دارد که حالا بعداً شاید اشاره به اجمالی از آن بحث آینده بحثی که در جای خودش شده هم عرض کنم.

پرسش: این ... تبادر که اگر که اصل این است که متکلّم ... برخورد کرده باشد از این چه نتیجه می‌خواهید بگیرد؟ پاسخ: بنابراین حالا که متکلّم بدون قرینه لفظ را به کار برده باید معنای حقیقی باشد چون اگر بخواهد معنی مجازی باشد با قطع به اینکه قرینه به کار نبرده این خلاف عرفیت متکلّم هست باید بر خلاف عرف متعارف مشی کرده باشد این البته یک نکته است.

نکته دیگر در این بحث استعمال با قرینه و استعمال بدون قرینه این هست که خیلی وقتها قرائنی که متکلّم به آن اعتماد می‌کند خیلی واضح نیست ممکن است یک سری قرائنی باشد در پیشانی قرینه نخوابیده من قرینه هستم و این خیلی وقتها

آدم شک می‌کند واقعاً قرینه‌ای وجود داشته یا نداشته بخصوص اگر قرینه، قرینه حالیه باشد این شک جدی‌تر می‌شود خب این بحث را باید کرد که آیا ما می‌توانیم صغرای استعمال بدون قرینه را احراز کنیم یا نمی‌توانیم احراز کنیم حالا اینها یک سری بحثهایی دارد بعداً تکمیلش می‌کنیم پس بنابراین اولین تفاوت استعمال حقیقی و استعمال مجازی این هست که استعمال حقیقی بدون قرینه است و استعمال مجازی با قرینه است است این را با این قید بگذارید که مطلب یک مقداری دقیق‌تر بود نه همه استعمالات مجازی متعارف استعمالات مجازی با قرینه است این یک مرحله.

نکته دوم این هست که استعمال حقیقی بدون عنایت حالا یک نکته‌ای که می‌خواستم دوم بگویم سوم می‌گویم سوم را دوم می‌گویم که جابجا بگویم بهتر است نکته دوم اینکه استعمالات حقیقی یعنی آن معنای حقیقی لفظ بنابر تحقیق در تمام استعمالات وجود دارد ما در جلسه قبل این مطلب را توضیح دادیم که حتی در استعمال مجازی هم لفظ در معنای حقیقی استعمال می‌شود ولی غرض از استعمال لفظ در معنای حقیقی این نیست که آن معنای حقیقی در ذهن جایگیر بشود بلکه می‌خواهیم از استعمال حقیقی عبور کنیم به یک معنای دیگری و روی آن معنای دیگر تصور ما استقرار پیدا و تصدیق ما بر طبق آن معنای دیگر باشد. خب بنابراین ما ممکن است بگوییم آن معنایی که در تمام استعمالات وجود دارد آن معنی،‌معنای استعمال حقیقی است آنکه در بعضی از استعمالات وجود دارد در بعضی از استعمال وجود ندارد آن معنی معنای مجازی است با این پیشفرض که حتی در استعمالات مجازی هم معنای حقیقی به ذهن اخطار داده می‌شود این هم دو مرحله. حالا اینها را بعد در موردش برمی‌گردیم صحبت می‌کنیم.

تفاوت سومی که بین استعمال حقیقی و استعمال مجازی می‌توانیم ذکر کنیم یعنی معنای حقیقی و معنای مجازی این تعبیر را بکنم چون معنای حقیقی آن معنایی هست که متکلّم لفظ را قالب برای افاده او قرار می‌دهد آن را در جلسه قبل این توضیح را می‌دادیم که مجرد آن معنایی که لفظ به وسیله لفظ اخطار به ذهن مخاطب داده می‌شود آن معنی معنای مستعمل‌فیه نیست باید لفظ قالب باشد و در

آن معنایی که لفظ را،‌یعنی معنای مجاز هیچ وقت قالب نیست با توجه به آن نتیجه‌ای که از آن وجه قبلی گرفتیم آن این است که مستعمل‌فیه همیشه معنای حقیقی است یک موقعی هست ما مستعمل‌فیه را می‌دانیم مستعمل‌فیه یعنی آن چیزی که لفظ قالب افاده آن هست یعنی یک موقعی هست نمی‌‌دانیم فقط می‌دانیم که چه چیزی به وسیله این لفظ اخطار داده شده خب آنجا آن قرینه قبلی آن را مطرح می‌کنیم یعنی آن تفاوت قبلی را که معنای حقیقی معنایی هست که در تمام استعمالات به ذهن اخطار داده می‌شود معنای مجازی آن معنایی هست که در بعضی از استعمالات به ذهن خطور داده می‌شود

پرسش: با همان دنبال همان قالبیت هستیم که قالب بر این ... پاسخ: نه اصلاً به قالبش کار نداریم اصلاً فرض کنید ما نمی‌دانیم قالب چطوری است نگاه می‌کنیم می‌بینیم که آن معنایی که در همه استعمالات به ذهن ما خطور داده می‌شود حالا چه به نحو قالب لفظ چه به نحو غیر قالب لفظ آن را کار نداریم آن معنایی که در همه استعمالات به ذهن خطور داده می‌شود آن معنای حقیقی است آن معنایی که در بعضی از استعمالات به ذهن خطور داده می‌شود و در بعضی استعمالات خطور داده نمی‌شود آن معنای مجازی است این هم تفاوت دوم، تفاوت سوم این است که آن معنایی که لفظ قالب افاده او هست حتی یک استعمال این دیگر به چیز کار نداریم به تمام استعمالات و اینها کار نداریم معنایی که لفظ قالب افاده او هست آن معنای حقیقی است آن معنایی که لفظ صرفاً قالب افاده‌اش نیست بلکه اخطار به ذهن داده می‌شود ولی لفظ به عنوان قالبیت او قرار داده نمی‌شود آن معنی مجازی است البته این معنای سوم غالباً با این مشکل مواجه هست که تشخیص قالبیت لفظ برای معنی به آسانی میسر نیست این خیلی آدم راههایش را راحت نیست که آدم بفهمد لفظ قالب بر چه معنایی هست و اینها. این است که غالباً اگر بخواهیم راه متعارف‌تری را بپیماییم سایر راهها را باید دنبال کنیم حالا بعد ادامه می‌دهم

پرسش: ... استعمال یعنی قالب قرار دادن لفظ ... استعمال ظاهراً معنایش این باشد که یعنی آن چیزی که متکلّم عن شعورٍ انجام می‌دهد به گونه‌ای بشود آن را

به گردن متکلّم نهاد پاسخ: عرض کردم من مثالهایی که دیروز در مورد لَش و امثال اینها می‌زدم

پرسش: بله آنها را نمی‌شود به گردن ... پاسخ: چرا نمی‌شود؟

پرسش: می‌تواند بگوید من منظورم این ... به راحتی می‌تواند ... پاسخ: نه نمی‌‌تواند به راحتی هم نیست قطعاً همین است یقین هم داریم

پرسش: آنکه مثال زدید آن طرف می‌گوید من اصلاً این را نمی‌خواستم بگویم پاسخ: نه وقتی تکرار کرده قطعاً زیبایی‌اش به همین است

پرسش: زیبایی‌اش به این هست ولی صرفاً همین است که بتواند طرف فرار کند از آن ... پاسخ: نه نمی‌تواند فرار کند اصلاً نمی‌تواند فرار کند

پرسش: ... پاسخ: نه گفته دیگر منظور این بود همان قالبیت است نه آیا این معنی را به ذهن اخطار دادم یا ندادم

پرسش: اخطار داده ... پاسخ: پس بنابراین حتماً اینکه به گردنش می‌شود گذاشت یعنی چه؟

پرسش: در عرف نمی‌گویند به این آدم مثلاً این حرف را زد گفت مثلاً پاسخ: یعنی چه؟ این حرف را زد یعنی قالب نیست دیگر اینکه این معنی را اراده کرده

پرسش: اراده کرده برساند این زیبایی کلام را ... پاسخ: اراده کرده برساند دیگر این را که اراده کرده

پرسش: ولی طوری نیست که بشود به گردنش انداخت ... پاسخ: به گردنش یعنی چه؟

پرسش: نمی‌توانیم بگوییم این حرف را زدی؟ پاسخ: اینکه خب زده است زدن یعنی چی؟

صبر کنید اطلاق کرد یعنی چی؟ اطلاق کرد یعنی این معنی را به ذهن افراد رسانده یا نرسانده؟

پرسش: همین که در فارسی می‌گوییم یعنی نمی‌شود گفت این متکلّم به این آقا گفت مثلاً تو ... پاسخ: گفت یعنی چه؟ بحث سر همین الفاظ را شما خودتان در ذهن‌تان تحلیل بکنید گفت یعنی چه؟

پرسش: یعنی بشود به متکلّم این را اسناد را داد که این حرف را گفت، زده است پاسخ: زده است یعنی چه؟ یعنی این معنی را به ذهن اخطار داده اینکه قطعاً اخطار داده یعنی اخطار به این شکل نه

پرسش: ... شانه خالی کند ... پاسخ: شانه خالی کند یعنی چه؟ یعنی خواسته نسبت بدهد به متکلّم یعنی آن دلالت تصدیقه را می‌گویید؟ خب بله همین طور است ما هم عرض کردیم بحث سر دلالت تصدیقیه بر طبق معنای مجازی است ولی بحث تصوری هست آیا این معنی را به ذهن مخاطب تصورش را ایجاد کرده یا نکرده؟

پرسش: صرف تصوری که ... پاسخ: بله شما هم می‌خواهید این را معنای قالبیت را این طوری معنی بکنید که این معنی را به گردن مخاطب گذاشته بشود یعنی به این معنی مخاطب می‌خواسته این مفهوم را در ذهن مخاطب جاگیر کند درست است؟ اگر این هم حتی باشد ما آن مطلبی که در کنایه گفتیم نقض قضیه است اینها را من در جلسه قبل توضیح دادم برای همین است ببینید معنای کنایه معنای اولیه را دارد در معنای اولیه استعمال می‌کند ولی معنای دوم را هم افاده می‌کند غرضش هم هست که آن معنی را هم افاده بکند به گردن متکلّم هم می‌شود گذاشت

پرسش: آن معنای اول را هیچ قصد نمی‌کند ... پاسخ: نه قصد هم می‌‌کند.

پرسش: ... پاسخ: نه دقت نکنید نمی‌دانم جلسه قبل توجه نداشتید. نه وقتی من می‌گویم آفتاب زد اگر آفتاد نزده باشد که دروغ است دیگر دروغ به اعتبار آن معنای حقیقی‌اش است معنایی که لفظ استعمال می‌کنند دروغ است آفتاب نزده

پرسش: آفتاب زد ولی مکنائاً این هست که نمازت قضاء است ... پاسخ: ولی آفتاب نزده باشد دروغ است

پرسش: ... پاسخ: نه توجه کردید اصلاً آفتاب نزده باشد اصلاً معنای مجازی، حالا آفتاب زد را یک معنای مجازی است شما این طور در نظر بگیرید آفتاب دارد می‌زند این طور بگویید آفتاب دارد می‌زند ولی اصلاً آفتاب دارد می‌زند هم صادق نباشد دروغ گفتید دیگر

پرسش: چون آن معنای مکنی .... و مراد هم آنجا محقق ... پاسخ: نه کدام مراد؟

پرسش: ... پاسخ: نه ممکن است صادق هم باشد ممکن است نماز هم در حال قضاء شدن هم باشد به او کار ندارد فرض کنید که دوتا امر هست این ملزوم تحقق ندارد من می‌گویم زید آمد غرضم این است که از آمدن زید بفهمیم که عمرو آمد، عمرو‌آمده اصلاً ولی زید نیامده خب دروغ گفته دیگر

پرسش: مرادش چی هست؟ ... پاسخ: مرادش این هست که از این به آن برسد بحث مکنائاً همین را دارم توضیح می‌دهم ببیند اصلاً کنایه یعنی اینکه من لفظ را در یک معنی به کار می‌برم و می‌خواهم تصدیق آن را هم در ذهن مخاطب ایجاد کنم تا از راه این تصدیق به تصدیق دیگر برسد حالا اگر تصدیق اولی دروغ بود ولی تصدیق دوم صادق بود این دروغ گفته دیگر

پرسش: یعنی مثلاً در «زید کثیر الرماد» ... پاسخ: نه اصلاً کثیر الرماد کنایه نیست کثیر الرماد اصلاً دروغ است آن را گفتم آن را بگذارید کنار

پرسش: معنای کنایه همین است دیگر پاسخ: نه اصلاً دو معنی برای کنایه وجود دارد اینها را توضیح دادم دوتا معنی برای کنایه وجود دارد شما حاشیه میر سید شریف را بر مطول ببینید یک بحث قدیمی هست در تفسیر کنایه که آره کنایه با اراده ملزوم هست یا نیست ملزوم اراده می‌شود در کنایه یا نمی‌شود؟ یک مبنی این هست که ملزوم در کنایه اراده نمی‌شود یک مبنی این هست که اراده می‌شود این بحث قدیمی هست اختلاف خیلی جدی در کنایه است ما می‌گفتیم ما کنایه را به این معنی می‌گیریم بحث لفظی که مهم نیست ما مرادمان از کنایه جایی هست که معنای ملروم اراده بشود یعنی اراده تصدیقی بشود قضیه‌ای که ملزوم هست این اراده بشود و غرض ما این هست که از این تصدیق به تصدیق دیگر رسیده شود مرادمان این هست بحث این است که در اینجا لفظ را در ملزوم استعمال کردم یا در لازم استعمال کردم؟ در ملزوم دیگر. مجرد اینکه یک شیئی را من تصدیقش را من به ذهن مخاطب افهام کنم این استعمال نیست این واضح هست دیگر.

پرسش: در چنین فرضی آن ملاک ... پاسخ: بله همین است دیگر. خب به گردن متکلّم یعنی چه؟ آخر این الفاظ را شما محتوایش را ببینید این الفاظی که شما به

کار می‌برید دارد چیزی حکایت می‌کند به گردن متکلّم می‌شود گذاشت یا نه؟ به گردن متکلّم می‌شود گذاشت که این معنی را تصدیقش را به مخاطب افهام کرده؟ هر دو را به گردن مخاطب گذاشت. اگر مرادتان این است آنکه لفظ را در آن استعمال کرده آن هم معنای قالبیت و همان آن چیزها را باید پیش بکشیم بدون این قالبیت حالا عرض کردم قالبیت با همان سعه مفهومی که دارد که من الان نمی‌خواهم آن را تبیین کنم که استعمال آن قالبیتی که هست به چه شکل است جعل اللفظ بإزاء المعنی جعل اللفظ تحت المعنی فوق المعنی آن اصطلاحات خاصی که انسان به هر حال یک چیزی را می‌فهمد که این لفظ یک ارتباط ویژه با آن معنای مستعمل‌فیه پیدا می‌کند حالا ارتباط ویژه را ما قالبیت تعبیر می‌کنیم بحث این است که تا این قالبیت را شما پایش را وسط نکشید نه در مرحله اخطار تصوری نه در مرحله اخطار تصدیقی هیچکدام نمی‌‌توانید حقیقت استعمال را تبیین کنید حقیقت استعمال باید حتماً بحث آن قالبیت پایش وسط کشیده بشود

پرسش: در همین مثالی که زدید آنجا چرا قالبیت نیست نسبت به آن معنی ... پاسخ: عرض کردم آنجا بحث ما این هست که اگر شما اخطار تصوری را مرادتان هست اخطار تصوری در معنای مجاز و حقیقت هر دو هست یعنی بحث این هست که مراد از معنایی که ما لفظ را در او استعمال می‌کنیم آیا معنایی هست که تصورش را در ذهن می‌آوریم این نقضش است که در ای فضل تو خر و امثال اینها هست نقضش موارد استعمالات مجازی هست آن نقضش است اگر می‌گویید مراد از مستعمل‌فیه آن چیزی هست که در مرحله تصدیق به ذهن مخاطب تصدیقش قرار می‌گیرد اگر مرادتان آن مرحله باشد کنایه نقضش است هر کدام نقض جداگانه دارد یعنی این استدلال ما مجموعه اینهاست که به هر حال چه شما مرادتان اخطار تصوری باشد چه شما مرادتان جاگیر کردن یک تصدیق در ذهن مخاطب باشد این مقدار کافی نیست برای تبیین حقیقت استعمال یک عنصر دیگری را باید در اینجا وارد کنید که آن عنصر قالبیت است که تا این نقضهایی که عرض کردم در آن نیاید و ما در واقع اصلاً آن بحث تفکیک بین اراده استعمالی و اراده تفهیمی را برای همین آوردیم که بین استعمال و اراده تفهیم

تفاوت هست هم در مرحله تصور هم در مرحله تصدیق. یک بار این بحث را من اخیراً‌این مطلب را چیز کردم که ما اراده تفهیمیه هم در دو مرحله داریم هم اراده تفهیمیه در مرحله تصور داریم که در موارد مجاز معنای حقیقی اراده تصوریه‌اش هست نمی‌دانم موارد همین ای فضل تو خر و امثال این مثالهایی که زدم از همان مثالها بوده یکی هم اراده تفهیمیه که اراده استعمالی نیست ولی در مرحله تصدیقیه هست که کنایه به آن تفسیری که ما از کنایه عرض می‌کردیم آن از مصادیق آن هست.

پرسش: آقایان که فرمودند که تشخیص ... کار مشکلی هست کار آسانی نیست نیاز به اجتهاد دارد ... پاسخ: نه مرادم این هست که خیلی وقتها اینکه لفظ قالب بر چه معنی هست در طول فهم من حقیقی هست جایی که اصلاً آدم معنای حقیقی را نداند ولی این مقدار را بفهمد که این لفظ قالب بر آن معناست سخت است یعنی اینکه ما می‌خواهیم فرض این است که معنای حقیقی را نمی‌دانیم می‌خواهیم از طریق استعمال معنای حقیقی را تشخیص بدهیم آن کمتر به راحتی نمی‌توانیم از این طرف استعمال معنای حقیقی بودن استفاده کنیم.

پرسش: ... پاسخ: نه بحث اجتهاد نیست بحث درک وجدانی است. حالا اجازه بدهید من این را در ادامه توضیحش را می‌دهم.

پس بنابراین بحثی که تا حالا آوردم را یکبار دیگر تکرار کنم مرحله اول تفاوت استعمال حقیقی و استعمال مجازی این است استعمال حقیقی بدون قرینه است استعمال مجازی متعارف با قرینه است این نکته اول است. نکته دوم معنای مستعمل‌فیه حقیقی در همه استعمالات به ذهن اخطار داده می‌شود اما معنای مستعمل‌فیه مجازی در همه استعمالات به ذهن اخطار داده نمی‌شود احتمال دارد مراد بعضی از قوم از اطراد همین معنی باشد یعنی این را خواستند افهام کنند البته الفاظ‌شان خیلی با این معنی شاید مساعد نباشد ولی یکی از احتمالات در بحث اطراد این هست که مراد این معنایی باشد که عرض کردم نکته سوم این هست که در همه استعمالات حتی استعمالات حقیقی و استعمالات مجازی آن چیزی که لفظ در او به کار برده می‌شود مستعمل‌فیه همیشه معنای حقیقی است و

فرق است بین مستعمل‌فیه و آن چیزی که لفظ را برای افهام او ما تصورش یا تصدیق را اخطار می‌خواهیم به ذهن بکنیم ما اگر مستعمل‌فیه را تشخیص بدهیم بین مستعمل‌فیه و موضوع له تلازم است مستعمل‌فیه همیشه همان موضوع له هست که عرض کردم مستعمل‌فیه یعنی آن چیزی که لفظ قالب افاده آن معنی بوده این هم معنای سوم است.

تفاوت چهارم این هست که مستعمل‌فیه یعنی بین معنای مجازی معنایی هست که در طول معنای حقیقی اراده می‌شود و با توجه به شبهاتی که به معنای حقیقی دارد آن اراده می‌شود ببینید یک موقعی شما می‌گویید که من آب خوردم این آب خوردن در طول هیچگونه استعمالی نیست ولی یک موقعی چایی خیلی کمرنگ است می‌گوییم این چایی آب هست خود ما هم احساس این معنی را می‌کنیم که ابتداءً یک معنایی به ذهن خطور می‌دهد در مرحله ثانیاً و بالعرض آن معنای دیگری به ذهن خطور می‌شود یعنی معنای حقیقی معنایی است که ابتداءً به ذهن خطور داده می‌شود معنای مجازی معنایی است که ثانیاً در مرحله دوم به ذهن خطور داده می‌شود حالا به یک تعبیر دیگر معنای، حالا آن این را بگویید همان تقریب چهارم قرار بدهید یا تقریب پنجم بگویید آن این است که معنای حقیقی در آن ادعا و عنایت وجود ندارد ولی معنای مجازی ادعا هست یعنی در واقع به اعتبار اینکه این را می‌خواهید بگویید مصداق ادعایی آب است آب را به کار می‌برید.

پرسش: یعنی در موضوع له‌اش استعمال شده پاسخ: نه بحث سر این هست که معنای مجازی به کمک یک ادعا شکل می‌گیرد درست است حتی منهای آن بحثهای قالبیت و امثال اینهایی که گفتیم آن معنایی که اخطارش به ذهن مخاطب بدون ادعا و عنایت هست آن معنی معنای حقیقی است آن معنایی که اخطارش به ذهن مخاطب با یک ادعا و دعوای خلاف واقع است دعوایی که خلاف واقع است با او همراه هست آن معنای مجازی است معنای مجازی همیشه یک نوع حالا بفرمایید تشبیه بفرمایید آن به اعتبار تشبیه اینکه می‌خواهیم بگوییم شبیه او هست یا به اعتبار ادعای اینکه این همانی و امثال اینها، اینها همه چیزهای مختلفی

هست که در استعمالات ... استعمالات مجازی درش یک نوع تشبیه وجود دارد استعمالات مجازی درش ادعای این همانی وجود دارد استعمالات در طول استعمالات حقیقی است این سه‌تا بیان را می‌توانید به یک برگردانید می‌توانید هر کدامش را یک بیان مستقل قرار بدهید سه تا بیان قرار بدهید این هم یک نکته.

نکته بعدی اگر آنها را هر سه‌تا را یکی قرار بدهید این می‌شود نکته پنجم آن این است که چون استعمال حقیقی بدون ادعا و بدون تشبیه و این طور چیزها هست در همه موارد این استعمال صحیح هست در همه مقامات صحیح هست ولی استعمالات مجازی در همه مقامات مستحسن نیست یکجا جای تشبیه هست یکجا جای ادعاست ولی همه جا ادعا مستحسن نیست مقامات خاص است یک نفر در مقام شاعرانه‌ای هست دارد گیسوی همسرش را، محبوبه‌اش، معشوقه‌اش را تشبیه می‌کند می‌گوید مثل شب است و امثال اینها تشبیه به شب می‌کند اما یک موقع است نه در آن فضاهای خاص شاعرانه و امثال اینها قرار ندارد می‌گوید و احتیاجات عادی خودش را دارد بیان می‌کند می‌گوید که شب خونه‌تان می‌آیم این یک استعمالی هست که در یک فضای عاشقانه فضای شاعرانه شکل می‌گیرد فضای ادبی، فضای ادبی با فضاهای عادی فرق دارد مقامات یعنی در واقع این طوری عرض می‌کنم استعمال حقیقی در تمام مقامات مستحسن است و استعمالات مجازی در جایی که تشبیه و ادعا مستحسن باشد مستحسن است این هم یک مورد است یک معنای دیگر اطراد این معنی هست که اطراد یعنی استعمالی که در تمام مقامات صحیح هست مستحسن هست خوب هست استعمال حقیقی است و استعمال مجازی آن هست که در بعضی مقامات مستحسن هست و در بعضی مقامات دیگر مستحسن نیست در توضیح این وجه پنجم این نکته را ضمیمه بکنم ببینید آقایان در بحث مجاز گفتند مجاز علاوه بر قرینه‌ای که دالّ بر مجاز هست نیاز به علاقه دارد قدماء می‌گفتند نیاز به علاقه دارد متأخرین به جای علاقه تعبیر می‌کنند به حسن طبع، قبول طبع، می‌گویند علاقه نیاز نیست قبول ... به نظر می‌رسد که بین قبول طبع و علاقه عموم و خصوص من وجه هست یکی از جهات عموم و خصوص من وجه بودن اینها تفاوت در جهت مقامات هم هست یعنی ممکن است

یک شیئی یک علاقه‌ای در او موجود باشد در مقامات عادی طبع قبول نکند بگوید این چه نحو به کار بردن است؟! چون جا، جای آن ادعا نبوده جا، جای آن تشبیه نبوده ولی در مقامات غیر عادی که آن مقام شاعرانه بودن است مقام تشبیه است مقام ادعا هست و امثال اینها در آن مقامات آن را قبول کند یعنی قبول طبع مطلق نیست قبول طبع نسبت به مقامی دون مقامی فرق می‌کند بنابراین اگر ما قبول طبع را شرط صحت مجاز می‌دانیم این را هم باید تکمیل کنیم قبول طبع در آن فضای خاصی که هست آن فضا را هم و مقام خاص را هم به بحث اضافه کنیم

پرسش: در مقام خاص ... طبع نیست ... پاسخ: بحث ما این هست که ما می‌گوییم صحت مجاز قبول طبع هست باید در آن مقامی که لفظ در آن مقام به کار برده می‌شود قبول طبع داشته باشد یعنی ممکن است این لفظ در یک جایی صحیح باشد در جای دیگر صحیح نباشد یعنی فرض کنید که «رأیت اسداً یرمی» را شما در گفتگوی عادی که دارید باهمدیگر صحبت می‌کنید صحبتهای عادی ممکن است بگوییم استعمال خوبی نیست ولی در گفتگویی که یک گفتگوی شاعرانه هست خوب هست این را هم بگویم مراد ما از شاعرانه مراتبی دارد گاهی اوقات یک گفتگوی عادی هم می‌تواند مناسب باشد برای شاعرانه بودن، یعنی شاعرانه بودن فضا تا فضا فرق دارد فرض کنید یک نفری دستشوئی‌اش دارد می‌ریزد شروع کند جملات چیز کردن خب اینجا اصلاً جای آن نیست که چیز تعبیر بکنیم آنجا که احتیاج تنها به افاده معنی تعلق گرفته یک موقعی هست این قدر هم ضروری نیست می‌تواند یک مقداری ذهن مخاطب را درگیر کند با اینکه ابتداء معنای مجازی و حقیقی را درک کند بعد از معنای حقیقی معنای مجازی، مراحلی دارد یعنی هر مقدار حاجت انسان به افاده سریع معنی بیشتر باشد به هر معنای مجازی حالا این هم یک نکته دیگر معنای مجازی معنایی نیست که سریع به ذهن خطور کند معنایی هست که در افاده‌اش یک مقداری فاصله است آن ادامه همان معنایی که می‌گفتم آن معنایی که اول اراده می‌شود آن معنایی که دوم اراده می‌شود نتیجه این بحث این است که آن معنایی که معنایی حقیقی زودتر اراده می‌شود معنای مجازی دیرتر فهمیده می‌شود چون دیرتر فهمیده می‌شود در جاهایی که غرض

متکلّم به افهام صریح، سریع معنی تعلق گرفته به کار بردن مجاز مناسب نیست به هر حال فاصله می‌شود بین افهام معنای حقیقی و افهام معنای مجازی این هم یک نکته دیگر هست که از متفرعات همان نکته اول، انفهام ابتدای معنای حقیقی و انفهام تبعی و ثانوی معنای مجازی هست این ویژگی‌هایی که عرض کردیم این ویژگی‌های معنای حقیقی از معنای مجازی است حالا از این ویژگی‌ها چطوری استفاده می‌کنیم در کشف معنای حقیقی و معنای مجازی این را اجازه بدهید فردا در موردش صحبت خواهیم کرد فرمایشات آقای صدر را هم ملاحظه بفرمایید و این هم وقت گذشته من یک نکته‌ای را هم ضمیمه بکنم ما با توجه به این مجموعه نکاتی که عرض کردیم می‌خواهیم یک دقت بیشتر بکنیم بر نحوه یادگیری لغات توسط بچه‌ها. این را می‌خواهم یک مقداری رویش دقیق بشویم که آیا یادگیری لغات توسط بچه‌ها به آن شکلی هست که مرحوم آقای صدر تبیین می‌کنند یا نه یک شکل دیگری هست که در چهارچوب همین علامیت استعمال بر معنای حقیقی شکل می‌گیرد.

«و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین»